

بازی عربستان و ایران در زمین افغانستان محمداکرام اندیشمند

حج عمره رئیس جمهور غنی هفته قبل در آخرین روزهای رمضان امسال (1395) شاید بیشتر ریشه ها و جنبه های سیاسی داشت تا مذهبی. اهمیت این عمره برای سلطنت عربستان سعودی که افغانستان را یکی از زمین های بازی خود در رقابت و خصومت با جمهوری اسلامی ایران به خصوص در اوضاع فعلی تلقی می کند، بیشتر بود.

رقابت میان ایران شیعه و عربستان سنی حنبلی - سلفی یا به ادعای شیعیان، وهابی، به گذشته بر می گردد و در طول چهل سال بی ثباتی و جنگ افغانستان فراز و فرود های زیادی پیموده است. در سال های دهه هشتاد سده بیستم، عربستان یکی از مهم ترین حامی و کمک کننده جنگ و جهاد افغانستان برای تنظیم های عمدتاً اکثریت سنی هفتگانه مقیم پشاور علیه قوای شوروی و دولت حزب دموکراتیک خلق بود، در حالی که جمهوری اسلامی ایران تنها احزاب و سازمان های جهادی و اسلامی شیعه افغانستان را مورد حمایت نظامی و مالی قرار می داد. هر چند ایران با دو تنظیم اصلی جمعیت اسلامی و حزب اسلامی که وجود دفتر های آنان را در ایران پذیرفت، روابط کجدار و مریزی ایجاد کرد و گاهی در مجالس بین المللی هیات مجاهدین را به این جلسات می برد، اما با توجه به سیاست فرقه ای و آیدئولوژیک، زمینه های نفوذ خود را در افغانستان محدود می ساخت و پیوسته از عربستان سعودی در رقابت و بازی بر سر افغانستان عقب می ماند.

تلاش ایران برای نفوذ در سال های دوم دهه هشتاد میان گروه های سنی مجاهدین و تنظیم های مستقر در پشاور نتوانست این عقب ماندگی را جبران کند. نهادهای اطلاعاتی و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در صدد آن شدند تا چهره های انشعابی چون قاضی محمد امین وقاد، مولوی نصرالله منصور و مولوی رفیع الله موذن از تنظیم های هفتگانه را که مورد پذیرش آی.اس.آی و پاکستان به عنوان تنظیم های جداگانه قرار نگرفته بودند، مورد حمایت قرار دهند و در میان گروه ها و جامعه سنی مجاهدین نفوذ کنند. این تلاش ها ناموفق بود و این افراد بیشتر به کمک های نقدی ایران که در مقایسه با سخاوتمندی های عربستان بسیار اندک بود دلبستگی داشتند و دولت اسلامی ایران نیز بسوی آن ها نگاه توأم با اعتماد نداشت.

فروپاشی حکومت داکترنجیب الله در سال 1371 و تشکیل دولت مجاهدین، عربستان و جمهوری اسلامی ایران را وارد مرحله جدید رقابت کرد. در این مرحله هر چند ایران زمینه های بهتر و بیشتر نفوذ را نسبت به عربستان در داخل دولت مجاهدین پیدا کرد، اما سیاست فرقه ای و آیدئولوژیک دولت اسلامی ولایت فقیه ایران و بازی های ناسخته آن، عرصه مانور در این زمینه ها را گرفت و مانند گذشته مغلوب عربستان شد. عربستان سعودی حتی پای برخی گروه های نزدیک و مورد حمایت ایران را بسوی گروه های مورد حمایت خود و پاکستان کشاند و اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان را به زیان جمهوری اسلامی دگرگون کرد. در فرایند

این اوضاع بود که جمهوری اسلامی ایران، گروه طالبان را در مرزهای خود و در کابل پایتخت افغانستان مشاهده کرد. جمهوری اسلامی ایران با انتقال سفارت خود از کابل به شهر تالقان، هم چنان به حمایت از دولت مجاهدین ادامه داد و با کمک های نظامی و مالی از احمدشاه مسعود و دو گروه متحدش، حزب وحدت و جنرال دوستم حمایت کرد. این حمایت نتوانست اوضاع نظامی را به زیان طالبان و عربستان سعودی و پاکستان و به سود جمهوری اسلامی ایران دگرگون کند. اما سپتمبر 2001 ورق بازی را به نفع جمهوری اسلامی ایران و به زیان عربستان سعودی در افغانستان و در خاور میانه بر گرداند. القاعده با حمله بر امریکا در سپتمبر این سال و سپس شکل گیری و ظهور داعش، فرصت طلایی و استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد.

امارت حاکم طالبان که به عنوان دولت افغانستان مورد شناسایی رسمی ریاض قرار داشت با حمله نظامی امریکا و حمایت جبهه مقاومت ضد طالبان سرنگون شد. ماموران جمهوری اسلامی ایران علی رغم نبود رابطه دیپلماتیک با امریکا در مذاکرات بن بر سر تشکیل حکومت پسا طالبان به ریاست حامد کرزی، در کنار امریکایی ها و در مشورت با هم قرار گرفتند. هر چند کرزی در ریاست دولت پسا طالبان کوشید تا رابطه نزدیک و دوستانه با عربستان سعودی داشته باشد، اما عربستان به نحوی خود را در میدان افغانستان بازنده رقابت و بازی با جمهوری اسلامی ایران می پنداشت و احساس سرخوردگی می کرد. این احساس مانع آن نشد که ریاض از رقابت با ایران در افغانستان دست بکشد. عربستان هم چنان مانند گذشته و این بار بگونه بسیار نا آشکار برای احیای نیروهای طالبان در کنار پاکستان قرار گرفت و مانع کمک های مالی منابع رسمی و غیر رسمی برای طالبان در کشورهای های نفت خیز عربی نشد. سیاست امتناع از هر گونه مشارکت سازنده و جدی در باز سازی افغانستان و حمایت از دولت تحت ریاست کرزی را برگزید تا این دولت در برابر گروه تروریستی طالبان و القاعده به ثبات و مشروعیت پایدار نرسد و مانور های جدید رقابت و بازی با تهران در زمین افغانستان را بدست بیاورد.

عربستان به ویژه در سال های اخیر که جمهوری اسلامی ایران با شکل دهی هلال شیعی در خاور میانه و نقش مسلط در تحولات عراق و سوریه، موقعیت خود را در بازی و رقابت با عربستان تقویت کرد، افغانستان را به عنوان میدان بازی و رقابت با تهران مورد عنایت بیشتر قرار داد. عربستان با یک بازی دو گانه که بصورت پنهانی با پاکستان در تقویت نیروی طالبان همراهی نشان داد، در صدد آن شد تا در پایان حکومت کرزی بگونه فعال تر وارد میدان افغانستان شود. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بصورت غیر رسمی و نا آشکار از اشرف غنی در برابر دکتر عبدالله و تیم اصلاحات و همگرایی که آن را مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران می پنداشت، حمایت کرد. همزمان با ریاست جمهوری اشرف غنی به حضور و فعالیت دیپلماتیک خود در کابل افزود و قبل از حمله نظامی بر کشور یمن، موافقت رئیس جمهور غنی را در حمایت از ائتلاف ریاض بر سر این حمله کسب کرد. برنامه صلح گلبدین حکمتیار با دولت بخشی دیگری از تلاش های عربستان در بازی و رقابت با

جمهوری اسلامی ایران تلقی می شود که علی رغم موانع اجرای این مصالحه و بازگشت حکمتیار به کابل، هم چنان مورد علاقه و تعقیب ریاض قرار دارد. عربستان در مقابله با اهداف و برنامه های تبلیغاتی و فرقه ای جمهوری اسلامی ایران که در تاسیس بزرگترین دانشگاه مذهبی شیعه به نام خاتم النبیین در کابل دست ایران را می دید، پیشنهاد تاسیس بزرگترین دانشگاه اسلامی را با هزینه خود در تپه مرنجان یا نادرخان شهر کابل ارائه کرد.

در حالی که عربستان سعودی پس از ریاست جمهوری اشرف غنی با اراده جدی و سر سخت تر از گذشته در صدد رقابت و بازی با جمهوری اسلامی ایران در افغانستان است، ایران نیز با اراده مشابه و برخلاف سال های قبل از فرو پاشی امارت طالبان در موقعیت بهتر و برتر از عربستان بازی می کند. جمهوری اسلامی ایران در حالی که بر خلاف عربستان رابطه نزدیک با حکومت کرسی تامین کرد و اکنون نیز در حکومت رئیس جمهور غنی حضور و رابطه گسترده تر دارد، با برگ های مختلف بر سر افغانستان با ریاض، بازی می کند. تهران مانند عربستان سیاست دوگانه رابطه پنهانی با طالبان و رابطه آشکار و رسمی با دولت افغانستان در پیش گرفت که بر خلاف عربستان در این سیاست با موفقیت عمل کرد. برگ اصلی جمهوری اسلامی ایران در رقابت و بازی با عربستان به رابطه نزدیک با شیعیان افغانستان بر می گردد. تهران با تشکیل لشکر فاطمیون از شیعیان افغانستان در جنگ سوریه که این جنگ را به زیان عربستان تغییر داد، این برگ را در هرگونه بازی های آینده با ریاض بر سر افغانستان در دست دارد. گفته می شود لشکر فاطمیون با ظرفیت تشکیل پنجاه هزار نیرو، برنامه ریزی شده است که تا اکنون با ثبت نام بیست هزار افراد داوطلب، هشت هزار نیروی این لشکر در میدان جنگ سوریه قرار دارند. این در حالی است که عربستان از چنین امکانات و ظرفیت در افغانستان برخوردار نیست.

آنچه که موضع جمهوری اسلامی ایران را در برابر عربستان چه در میدان افغانستان و چه در سایر مناطق خاور میانه تقویت می کند و مایه تضعیف ریاض در این بازی می شود، موقعیت ناگوار عربستان در برابر گروه های چون داعش و القاعده است. در حالی که عربستان با دو طرف جمهوری اسلامی ایران و این گروه ها، درگیر دشمنی و جنگ غیر مستقیم، نیابتی و نا متعارف است، اما تضعیف و شکست داعش و گروه های تروریستی در این جنگ بصورت طبیعی به تقویت جمهوری اسلامی ایران و تضعیف عربستان در بازی آن ها بر سر حوزه نفوذ و اقتدار منطقه ای می انجامد. جمهوری اسلامی ایران در جنگ با داعش و تروریسم از مشارکت غربی ها و روس ها و حتی عربستان در این جنگ سود می برد و هلال شیعی در منطقه تقویت می شود، ولیکن بر عکس، عربستان سعودی از تضعیف و شکست داعش، القاعده، طالبان و گروه های تکفیری، زیان می بیند و نفوذ و اقتدار خود را در افغانستان و خاور میانه از دست می دهد. اما، پیامد و تبعات رقابت و بازی خصمانه عربستان و ایران در افغانستان، تداوم بی ثباتی و جنگ برای افغانستان و مردمش است.